

حقیقت

۳ تیر ۱۳۵۹

شماره ۸۱

در دادگاه 'تقی شہرام' جنبش کمونیستی و انقلابی ایران 'محاكمه' میشود

پس از یکسال که در روستاهای
فداانقلاب و مرتجع ماجرای تقی شہرام
و شریف واقفی را دستاویزی جهت
بیش بردن تبلیغات شوم ضد کمونیستی
و فداانقلابی خود قرار دادند و احسا -
سات پارهای از هم میهنان ناآگاه ما
را بر سر آن برانگیختند اینک دادگاه
انقلاب اسلامی " برای با مصلاح رسید
گی به پرونده تقی شہرام که خود را
آغاز کرده است ، کسانی که طی یکسال
گذشته خوددهیا تن از اعضا و هواداران
سازمان مجاهدین خلق را به گلوله
بسته و شهید کرده اند ، کسانی که طی
یکسال گذشته هزاران سرودست از هواداران
داران مجاهدین خلق را شکسته اند و
کسانی که طی این مدت از هواداران
مجاهدین خلق چشمها کور و شکمها یاره
بقیه در صفحه ۵

خطر کودتا هنوز باقی است، هوشیار باشید!

بختیار، آمریکا، عراق و اسرائیل و
مصدر در این توطئه دست داشته و قرار
بوده که با یگانه هوایی حرب صورت ستاد
فرماندهی بختیار درآید ، بدنبال
کشف این توطئه تعداد زیادی از
نظامیان در شهرهای تهران ، همدان
و اهواز دستگیر شده و برخی از آنان
شیر در جریان زد و خورد با سداران
کشته شدند ، تیمسار مهدیون فرمانده
اسبق نیرو هوایی جمهوری اسلامی و
بقیه در صفحه ۲

" کار ترا خیرا گفته است که اگر ۵ کروگان جاسوس آزاد شوند
ایران "بهای سنگینی" خواهد پرداخت . این سخن ممکن است برای
امروز و فردا جدی نباشد . ولی برای ماههای آینده و سال بعد و یا بعد از
آن حتما جدی است و باید جدی گرفته شود . این "بهای سنگین" چیزی
جز انجام یک تها و زگسترده - نظامی به خاک ما و با طرح ریزی یک کودتای
و حیا نه امپریالیستی نمی تواند باشد .
(به نقل از "حقیقت" شماره ۵۱ - ۴ دی ۵۸) رجوع شود به کا در وسط صفحه ۲

اخبار پنجشنبه شب گذشته صدا و
سیمای جمهوری اسلامی ایران خبر از
کشف یک کودتای نظامی در پایگاه
هوایی "حر" و دستگیری بسیاری از
عاطلین آن داد . از قرار کودتا چنان
میخواسته اند تا با در اختیار گرفتن
این پایگاه و تبدیلش به یک "ستاد
عملیاتی" ، کودتا را از آنجا سازمان
دهند و قصدشان این بوده تا برای شروع
کار ، اقامتگاه آیت اله خمینی در جم -
ران ، مدرسه فیضیه قم ، مقر ریاست
جمهوری و نخست وزیری و پادگان ولی
عمر و برخی مراکز مواضع دیگر را
بسیاران کرده ، پس از آن برخی از نقاط
حساس را تصرف نموده و اعلام حکومت
جدید را بنما یند ، گفته میشود که

ما و 'وحدت انقلابی'

در جهت "تدقیق طرحهای فوق و تدوین
یک پلان تفرم ایدئولوژیک - سیاسی"
وحدت هشت گروه حاصل گشته است .
ضمنا در اطلاعیه یا دشده وعده داده می -
شود که "پلان تفرم ایدئولوژیک - سیاسی
بقیه در صفحه ۹

در نیمه دوم فروردین ماه ما
سازمانی از وحدت هشت گروه کمسو -
نیستی بنام "وحدت انقلابی برای
آزادی طبقه کارگر" اعلام گردید .
بنابراین نخستین اطلاعیه این سازمان
بنام "بیانیه وحدت" ، گروههای
تشکیل دهنده پس از یک دوره بحثهای
مقدماتی بر سر طرح و پلان تفرم ایدئو -
لوژیک - سیاسی مشترکی توافق پیدا
کرده و سپس با انحلال و وحدت خویش در
یک تشکیلات واحد به فعالیت مستقل
گروهی یا یان داده اند ، در اطلاعیه
یا دشده میخواستیم که تعدادی از گروه
های تشکیل دهنده سازمان جدید از
امضاء کنندگان طرح مشترکی هستند
که تحت عنوان 'وحدت' ، مسئله مرکزی
و محوری نیروهای مارکسیست -
لنینیست در بهمن ۵۸ انتشار
خارجی یافت . و حال آنکه برخی
دیگر از گروهها "طرحهای منابھی"
داشته اند که پس از بحثهای مقدماتی

زنان، حجاب و مبارزه ضد امپریالیستی

بدنبال موج "ظا غوت زداشی" در
ادارات ووزارتخانه های دولتی که
پس از سخنرانی آیت اله خمینی در این
باره بشکل "آرم زداشی" بالا گرفت ،
برخی از محافل و اسپرگرای مذهبی ،
همه مسائل کشور را کرده به یاد
"عفت عمومی" و ضرورت "پوشش اسلامی"
افتادند و مسئله حجاب به پیش کشیده
شد و همه ادارات ووزارتخانه ها
بخشنامه صادر کردند که از این پس
هیچ زنی بدون "پوشش اسلامی" حق
ورود به این مراکز را نداشته و در صورت
عدم اجرای این دستور زنان خاطی
خراج خواهند شد ، دست اندرکاران
این جریان یک راهیماشی نیز برای
انداختن ، که نه تنها کاری به کار
"ظا غوت" نداشت ، بلکه مسئله مرکزی
اش بگرد "حجاب" یا رجای ، و تحریک
علیه سازمان مجاهدین خلق دور میزد ،
همزمان با بالا گرفتن این جریان
سیاری از زنان طبقات متوسط و
جامعه و سوبیزه زنان کارمند و معلم و
پرستار ، به اعتراض برخاستند و جریا -
بقیه در صفحه ۴

تشدید استعمار
کارگران با
"مبارزه با
امپریالیسم"
صفحه ۱۲

"دکه داران"
صفحه ۶

خطر کودتا هنوز باقیست

بفیه از صفحه اول

تیمسار محقق فرمانده سابق ژاندار - مری جمهوری اسلامی بعنوان کسردا - زندگان اصلی این کودتا بازداشت شده اند و تالیفات زیادی نیز درباره بازداشت باقری فرمانده سابق نیروی هوایی جمهوری اسلامی و دکتر مدیعی یکی از مهره های با نفوذ و کینه کار جناح هوادار ریختن رو ز سران سابق جبهه ملی (که اخیراً از آن کناره گیری کرده بود) بکوش خورده است و چنین بنظر میرسد که باقری را برخی از پرسنل مبارز دستگیر کرده و سپس مجبور به آزاد کردن وی شده اند. فرمانده گردان شیب هوار نیز جزو بازداشت شدگان می باشد و گفته می شود که در حبس مدارکی در مورد نقشه های این کودتا بدست آمده است.

هنوز اطلاعات واضحی در باره این کودتا تا فرجام و عوامل آن منتشر نشده است و فقط آغازی بنی - صدروسا پیرسان جمهوری اسلامی اعلام کرده اند که از یک ماه پیش با بنظر طرف در جریان بوده اند و سرریزنگاه مح کودتا جیان را گرفته و این نوظهره را عقیم گذارده اند. میگویند فرار بوده است تا همزمان با پیدا شدن نقشه های قوم کودتا جیان ، ارتش یعنی عراقی تسر حملاتش را از این داده و به خاک ایران تجاوزنا بدو یزور ارتش عراقی بسگ منطقه " آزاد " در غرب کشور ایجاد نمود تا در آن کودتا جیان اعلام حکومت نماید.

داستید افراد سب " نوه " اکثر ا از کلاه سزهای سرسیده ، رژیم شاه هستند و قسم و ناداریت را رهتورنگار میکنند ، اینان را دستگیر و خلع سلاح نگردید؟

با حرکت از این فرصت که مردم - داران حکومت از یکماه پیش از جریا - نات مطلع بوده اند ، ضروری میدا - نیم که توجه مردم ایران را به عملکرد این حضرات در طول این مدت جلب کنیم . ما از مدتها پیش هشدار دادیم که توطئه های شومی در شرف تکوین می باشد و عوا مل ارتجاع و امیریا لیس مشغول سازماندهی و تجهیز قوا هستند و قبل از هر چیز باید دست این سر - تخمین را از جنان انقلاب گونا گوه کرد ، هشدار دادیم که آنها ثی که در پیسی اهدا ف خاصی خود مردم را در برابریک دیگر قرار میدهند و بجای بیگیری عوا - مل ارتجاع ، سرگوب نیروهای انقلاب بی را در دستور کار خود قرار داده اند در عمل زمین را برای اجرای توطئه کودتا آماده میگردانند ، اخطار کردیم که دامنه جنگ تحمیلی به مردم کردستان عملا بسود ارتجاع وامیریا - لیس تمام شده و راه را برای تاخت و تاز ارتش کودتا با زمینمایید ، هشدار دادیم که دست گذاردن به روی مسائل فرعی ، آنهم بشمول ای تحمیلی ، ادا نمه وضع بحرانی اقتصاد دوسیا ست کشور ، ادا نمه اخراج کارگران و حمله به شوراهای کارگری و ... اینها همه زمین را برای کودتا جیان آماده می - کنند و لایه های وسیع تری از مردم را از انقلاب مایوس کرده ، آنها را بسوی وعده های فریبکارانه کودتا جیان سوق میدهد ، لکن می بینیم که دست اندرکاران حکومت دنیا " همین کار ها را ادا داده اند و کماکان نیز می - دهند .

سران حزب جمهوری اسلامی که سبک برخی از آنان در پیس پرده بسا سران اصلی کودتا زدوبست دارند و کذب شده ، سیاهان آنان را به ارتجاع و امیریا لیس مرشبط مینمایند ، در یک ماهه گذشته تا نوا نستند به دسیسه چینی بر علیه انقلاب و نیروهای انقلابی و همچنین دامن زدن بسا اغتشاش و شرفه کوشیدند . آنها سر - دمدا را ایجاد جریان ضد انقلابی بر علیه سازمان مجاهدین خلق و نویسندگان اصلی مطنما مه " مرتجعانه " راه میمان - ثی گذاشتی اخیر میا نند ، آنها بحر - کس اصلی دستجات و باندهای سیاه چاقی بدست و سرگوبگر آزادی اند ، آنها بسا رهبر امداد را دامنه جنگ

اندا تا زیر ملا شدن تمام قضا یا و منا - بع اعلی این کودتا جلو گیرند و کار را با دستگیری یکی دو تیمسار تمام شده قلمداد نمایند ، تا زمانیکه نیروهای ساگان ارتش بوضع فعلی با ثی بمانند ، تا زمانیکه کلیه عوا - مل ساواک دستگیر و مجازات نشوند ، تا زمانیکه دستجات مسلح مزدور نشوند ، دالی و غیره ای در اقمی تقاطع کشور آزادانه فعالیت کنند ، تا زمانیکه سرمایه داران وابسته و زمین داران بزرگ و ایدائی آنان موقعیت کنونی خود را حفظ نکنند و ... ، خطر کودتا از بین نخواهد رفت و اینان مطمئنا در فرصت مناسب دیگری با زهم دست بکار خواهند شد . با گذشت یکسال و نیم از سرنگونی دریا رپهلوی ، عوا - مل کودتا هنوز در ای آنچنان قدر - تی هستند که فقط بحثی از آنان قا - درند توطئه ای با ابعاد ای این چنین را سا زمان دهند ، آنها میتوانند فقط از یک پایگاه هوایی بین ۲۵ تا

بفیه از صفحه اول " ۵ - حرکت سریع برای شاسائی و طرحا سوسان و همدستان آمریکا و رژیم سابق در ادارات و موسسات کشوری و لشگری بخصوص ارتش . که به غیر از سوا بقی سیاه سازی از مرزها نماند آن . بنا به نوا ه دورده با های دیده شده ای نقشه های دور زدن برای انجام خرابکاری و کودتا در سوغ مفتضم با همدستی با اعلی از سر و سیدان بزرگان رژیم گذشته و بختیارهاش در دست دارند . " (به نقل از " حقیقت " شماره ۶۵ ، ۲۶ / ۵۹۱) رجوع شود به کا در وسط صفحه ۲

۵۵ جت جنگنده را بر علیه انقلاب بسه بیرو زدن و روندوا سرار کودتا جیان سر از حبیب فرمانده سب اوز سردر آورد . ملت حق دارید بگرد ، چرا ؟ چراهنوز وابستگان به رژیم سابق وامیریا - لیس آمریکا از چنین موقعیتی بسر - خوردارند ؟ چرا ساواکی ها را بخشید - یدنا امروز بر علیه انقلاب توطئه به - چینند ؟ آیا اینست مفهوم " تعقیبه انقلابی " که اینقدر سنگش را به سینه میزدند ؟ چه مقامی به این شتولات با حکومت ؟

امروز که این توطئه کشف و سر - کوب شده است ، هر کس میخواد هشدا امتیازش بنا ما وثبت شود ، لاکسن هیچکس حاضر نیست ببیدرنگه خودش نیز سوغی زمینها را این توطئه نوم بوده و به آن یا داده و کماکان میدهد . آقای بنی صدر مدعی است که اینسان از یکماه پیش در جریان امر فرار داشته و مرا قبا و قا ع بوده است ، سران حزب جمهوری اسلامی نیز همین ادعا را کرده اند . اما هیچکس حاضر نیست به مردم ما جواب دهد که در این دوران چکار مشخصی برای جلوگیری از این توطئه نموده اند . چرا شما ثی که من

بفیه از صفحه اول " ۵ - حرکت سریع برای شاسائی و طرحا سوسان و همدستان آمریکا و رژیم سابق در ادارات و موسسات کشوری و لشگری بخصوص ارتش . که به غیر از سوا بقی سیاه سازی از مرزها نماند آن . بنا به نوا ه دورده با های دیده شده ای نقشه های دور زدن برای انجام خرابکاری و کودتا در سوغ مفتضم با همدستی با اعلی از سر و سیدان بزرگان رژیم گذشته و بختیارهاش در دست دارند . " (به نقل از " حقیقت " شماره ۶۵ ، ۲۶ / ۵۹۱) رجوع شود به کا در وسط صفحه ۲

بسیار شده اند همزمان با حمله برای آزادی کروکات نهایی جاسوس ، مناطق حسان کشور چون اقا مشکا ه آیت الله خمینی ، برخی از مواضع نظامی و همچنین پالیسکا ه آبادان و بعضی از بنا در را بصاران نما بند و همدستان

ایرانی آنها میخواسته اند تا از این فرصت استفاده کرده ، مقاصد شوم بزرگتری را برای نابودی انقلاب مناسا اجراء نمایند . هوا بیما های جمهوری اسلامی ، تحت فرماندهی تیمسار با - فری آمریکا ثی و مزدور دریا رپهلوی ، یک هلی کوپتر آمریکا ثی را که حاوی برنامها و نقشه های آمریکا ثیان بود میباران کردند و اسناد فوق را عامدانه سوزاندند تا اسرارشان افشاء نشود . بخش دیگری از همدستان کوب دتا جیان ، چراغ های اعمدی را روشن گذاشتند تا آمریکا ثیان بسپولست

بسیار شده اند ، گروه دیگری های ضد هوایی را از کار انداختند و جنگنده های ایرانی را بی حفاظ از آسیا نه خارج کردند تا بسا دگی هدف بصاران هوا - بیما های آمریکا ثی شوند . این توطئه شوم بر حسب " تضاد " شکست خورد و بسا از آن مسئولان امر در حد شتوانائی شان کونیدند تا این مسائل بفرا - می سیرده شود و بجای بیگیری ایسن مسئله و کشف و مجازات همدستان تجاوزگران آمریکا ثی ، همه آن نیروها - ثی را که خواهان بیگیری این جریان بودند را بریر حمله گرفتند و حسی بسه تعقیبه برخی از همدان فرمان مبارز که اطلاعات وسیعی در باره عا ملان ایرک ثی این توطئه تا فرجام دانستند اقدام ورزیدند . اسنگ فاردیکری از همدان نقشه شوم بر ملا شده و شک نباید داشت که این نهاییان کار و فاذ آخر ، بلکه آغاز کار است و ارتجاع وامیریا لیس رخم خورده نه تنها دست از این تلاش مذبحا نه برتحو اهدا داشت بلکه بسر کوش های خود از این نیز خوا همد سختید هما نظور که در جریان تجاوز نظامی ساکا م آمریکا در طیس مناسه شده ، امروز نیز دستهای بسیاری در کار

بسیار شده اند ، گروه دیگری های ضد هوایی را از کار انداختند و جنگنده های ایرانی را بی حفاظ از آسیا نه خارج کردند تا بسا دگی هدف بصاران هوا - بیما های آمریکا ثی شوند . این توطئه شوم بر حسب " تضاد " شکست خورد و بسا از آن مسئولان امر در حد شتوانائی شان کونیدند تا این مسائل بفرا - می سیرده شود و بجای بیگیری ایسن مسئله و کشف و مجازات همدستان تجاوزگران آمریکا ثی ، همه آن نیروها - ثی را که خواهان بیگیری این جریان بودند را بریر حمله گرفتند و حسی بسه تعقیبه برخی از همدان فرمان مبارز که اطلاعات وسیعی در باره عا ملان ایرک ثی این توطئه تا فرجام دانستند اقدام ورزیدند . اسنگ فاردیکری از همدان نقشه شوم بر ملا شده و شک نباید داشت که این نهاییان کار و فاذ آخر ، بلکه آغاز کار است و ارتجاع وامیریا لیس رخم خورده نه تنها دست از این تلاش مذبحا نه برتحو اهدا داشت بلکه بسر کوش های خود از این نیز خوا همد سختید هما نظور که در جریان تجاوز نظامی ساکا م آمریکا در طیس مناسه شده ، امروز نیز دستهای بسیاری در کار

بسیار شده اند ، گروه دیگری های ضد هوایی را از کار انداختند و جنگنده های ایرانی را بی حفاظ از آسیا نه خارج کردند تا بسا دگی هدف بصاران هوا - بیما های آمریکا ثی شوند . این توطئه شوم بر حسب " تضاد " شکست خورد و بسا از آن مسئولان امر در حد شتوانائی شان کونیدند تا این مسائل بفرا - می سیرده شود و بجای بیگیری ایسن مسئله و کشف و مجازات همدستان تجاوزگران آمریکا ثی ، همه آن نیروها - ثی را که خواهان بیگیری این جریان بودند را بریر حمله گرفتند و حسی بسه تعقیبه برخی از همدان فرمان مبارز که اطلاعات وسیعی در باره عا ملان ایرک ثی این توطئه تا فرجام دانستند اقدام ورزیدند . اسنگ فاردیکری از همدان نقشه شوم بر ملا شده و شک نباید داشت که این نهاییان کار و فاذ آخر ، بلکه آغاز کار است و ارتجاع وامیریا لیس رخم خورده نه تنها دست از این تلاش مذبحا نه برتحو اهدا داشت بلکه بسر کوش های خود از این نیز خوا همد سختید هما نظور که در جریان تجاوز نظامی ساکا م آمریکا در طیس مناسه شده ، امروز نیز دستهای بسیاری در کار

خطر کودتا هنوز با قیامت ۵۵۵۵۵

بقیه از صفحه ۲

تحمیلی به مردم کردستان دارند ، آنها همه مسائل را رها کرده به "حجاب" و پوشش اسلامی " چسبیدنوبی سبب به جریاناتی پا دادند که سودش بسه جیب کودتا چنان می رود . لبه تیسز حملات و اعمال آنان آشکارا متوجه نیروهای انقلابی و دستاوردهای انقلاب بود و دست و هیچ عملکردی بهتر از این زمینه را برای کودتا چسبان آماده نمیکنند .

آقای بنی صدر در رفتار با حزب جمهوری اسلامی و به منظور برپا شدن رژیم " قانونی " سوزوئی ، نظم و امنیت " را چسبید و زیر این عنوان برخطراتی که این انقلاب را تهدید میکند چشم فرو بست و در مقام فرماندهی کل قوا همان فرماندهان و اسرای سابق را صرفاً " جا بجا کرد و میکشند و بخشنا به پشت بخشنا به جهت حفظ " سلسله مراتب " در ارتش و " اطاعت " از فرماندهان صادر کرد . روزنامه ایشان بیکروزی از انتشار اخبار مربوط به نقشه کودتا در سرقا له ای زیر عنوان " زمینه های داخلی کودتا " (انقلاب اسلامی ، ۲۱ تیر ماه ۱۳۵۹ - شماره ۳۵۱) چنین عنوان میدارد که زمینه های کودتا آمریکا را به انجام این کودتا ترغیب نموده ، همانا از میان رفتن " حاکمیت دولت " و ایجاد " جوهر و مرج " میباشند و در نتیجه به منظور جلوگیری از تکرار چنین توطئه های ضروری است تا هر چه زودتر " حاکمیت دولت " در همه جا برقرار شود و از " دخالت " مقامات " غیر مسئول " در امور دولت جلوگیری بعمل آید . این آقایان مثل اینکه در این یکسال و نیمه در ایران زندگی نمی کرده اند و یا چشمشان نتوان دیدن واقعیات را ندارد . بدبختی کشور ما و زمینه ساز توطئه های کودتا چنان ، نه صیغ بودن " حاکمیت دولت " بلکه وجود همین حاکمیت لیبرالی و سازنگاران است که پایه ها و منابع اصلی ارتجاع و کودتا را آزاد گذارده و با آنان ممانعت میورده حاکمیت این دولت و دولت قبل از آن ، یعنی آزادی سواکی ها و فرمان عفو ، یعنی سا-

زش با سرمایه داران وابسته و فئودالها یعنی که با یزدی زریه انقلاب تا بود شوند ، یعنی گرنش و سازش دربر برامیریا لیسیم آمریکا ، یعنی حفظ نهادهای ارتجاع و کودتا خیز چون ارتش . " حاکمیت " دولت کنونی

یعنی این . آنوقت شما دلیل کودتا را در عدم وجود چنین حاکمیتی جستجو میکنید؟ و یا شاید گمان میکنید که اگر چنین حاکمیتی کاملاً و آنطور که شما میخواهید برقرار شود ، دیگر آمریکا نیز به کودتا نخواهد داشت . تا بد چنین باشد ، لکن در هر حالت مردم ما با نداشتن کفایت نتایج این " حاکمیت " را دیده اند و نه تنها خواستار آن نیستند ، بلکه میخواهند که شماها و امثال شماها کنار رفته و کار بدست نمایندگان حقیقتاً انقلابی و خدا میریا لیسیم خودتان ببینند ، تا چنان دماری از روزگار منابع کودتا چید در آورند که دیگر کسی بفرگودتا نیافتد .

درون هیئت حاکمه سود برد و آنرا به مسئله عمده این کودتا تبدیل گرداند . اینان که قبیل از قیام خودشان با هویزرها و بختیا رها نشست و برخاست داشتند و در توطئه " انتقال مسالمت آمیز قدرت " با بختیا زد و بست می کردند ، حالا یکبار به فکر " آنتاشی " که بختیا رها را میپروا راند " (نقل به معنی از قطعنامه راهیما نیسی اخیر) افتاده اند و در حالیکه افرادی چون مظفر بقاشی ها که در کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ دست داشتند در دامن خود حفظ میکنند ، علم مبارزه با جریانات " ملی گرا " را برداشته اند . همانطور که ما بیشتر نیز خاطرنشان ساختیم ، جناح های از این جریانات " ملی گرا " (چون حزب ایران قاسمی و کسانیکه چون مدیسی) خط ارتباط با آمریکا و عوامل کودتا هستند و پیرویه آقای امیرانتظام نیز بر کسی پوشیده نیست ، لکن سران حزب جمهوری اسلامی قصدشان از مبارزه با این " ملی گرایان " نه پاک کردن مفوق نهفت آنان از این عناصرو چنانچه ، بلکه زدن رقیب در هیئت

بقیه از صفحه ۲ " ما به همگان هشدار میدهم که انقلاب ایران جدا " در خطرات و خطریک کودتای وحشیانه آمریکایی نمایی کشور در در تپه سهندان دورسیدید میکند . نادرک اجرای عملی این کودتا از هم اکنون آغاز و از سر فرماندهی و تشکین هدایت میشود . هم اکنون فرماندهان ارتش و هسته های انقلابی افسران بازنشسته و شاغل در کارخانه های یک رفته سوس طکه های بزرگ هستند و با جناحها و انقلاب در اروپا و ما موران و جاسوسان آمریکا و انگلیس در تماس دائمی میبرند .

(به نقل از " حقیقت " شماره ۷۱ - ۲ خرداد ۵۹)
" همانطوریکه انتظار هم میرفت مخاطب اصلی و طرف توجه و میدانی دارو دسنه های فراری (بختیا رواویسی و ...) برای انجام کودتای ارتجاعی و تصرف دوباره قدرت توسط ایشان ارتش با زمانه رژیم سابق است . " (به نقل از " حقیقت " شماره ۷۷ - ۲۷ خرداد ۵۹)
در همین جا ضروری است تا به

مسئله دیگری نیز اشاره کنیم . صوب جمعیت نیروهای شریک در قدرت سیاسی حاکم و رفاقت و دسته بندی های آنان در شرایط کنونی به نحوی است که هر مسئله ای (از قیام دانشگاه گرفته تا جنگ کردستان و مسئله حجاب و منالیم) با لاجبار به بزاری جهت پیش برد این رقابت ها نیز تبدیل شده و هر دسته ای میکوشد تا از آن چاقی برای کوبیدن گروه بندی دیگر بسازد و با یک تیر دو نشان بزند . سران حزب جمهوری اسلامی که از چندی پیش علم مبارزه با " ملی گرایان " را بر داشته است (دقت کنید ، مبارزه با " ملی گرایان " و نه مبارزه علیه امیریا لیسیم و سازنگاری ، زیرا در این زمینه نقاط مشترکشان فراوان است) در جریان کشف این کودتا نیز میکوشد تا از آن بر علیه رقیبانش در

متوجه انقلاب ما است ، بکردیک سیاست صحیح و اصولی جمع شوند و از انحرافات راست و " چپ " رایج در میان انسان دست بردارند .

رفقا ، ما خیال نداریم که مسائل و واقعیات را بر خ کسی بکشیم و یا بخواهیم از این فرصت ها برای سوسیه حساب سیاسی سود ببریم ، زیرا شرایط کشور و انقلاب ما آنقدر بحرانی و حساس است که به هیچ انسان با وجدانی فرست این قبیل سودجویی ها را نمیدهد . اما لازم است تا مسائل چند را جهت یادآوری ذکر کنیم . زمانیکه جا سوسخانه آمریکا در ایران با شغال دانشجویان مسلمان در آمد و موجبات رشد و گسترش مبارزات خدا میریا لیسیتی مردم ما را بر علیه آمریکا فراهم ساخت ، اکثریت فریب به اتفاق شما آنرا " توطئه هیئت حاکمه " ، " هیا - هو " و " فریبکاری " نامیدید و چنین وانمود کردید که منظور از این کار مبارزه علیه آمریکا ، بلکه فریب داده های مردم خودمان بوده است . وقایع بعدی ، از مبارزات گسترده شده با بر علیه آمریکا گرفته تا افانه شدن بعدد سا زنگاری به این مبارزه ، از قطع روابط سیاسی و اقتصادی میان ایران و آمریکا گرفته تا تاج و زنا فرجام نظامی آمریکا در طیس ، بطور غیر قابل تردیدی ، نادرستی باورها و نظرات شما را به اثبات رساند . جنب و جوش خدا میریا لیسیتی .. خدا آمریکا - شی مردم ما با توجه به محدودیت های ذاتی نیروهای رهبری کننده اش با لاجبار از رفت و خیز گذشت و بتدریج از آن شور و شوق کاسته و نیروهای بزم رزوازی لیبرال و سران حزب جمهوری اسلامی که هر دو از همان آغاز آشکارا مخالف این مبارزات بودند و فرصت را مغتنم شمردند و تالیع و رویدادهای کشور را به سیرری دیگر گنا شدند . مسئله ، دیگر همانند گذشته داغ و مسئله روزنامه ندوشما نیز بی آنکه بخو زحمت جمع بندی از مواضع و عملکردها بتوان بدید از این فرصت جهت بسه فراموشی سپردن آنچه این چند ماه گذشته و کرده بودید استفا ده کردید . اما

آیا اینست روش کمونیستی و انقلابی؟ این مسئله گذشت تا جریان حمله نظامی به طیس و مسئله کودتای آمریکا به پیش آمد و با شما را مقابل همسان سوال قدیمی قرار داد اما شما چه مواضعی اتخاذ کردید و چه مناسباتی میان خود و جنبش خدا میریا لیسیتی مردم ایران و در برابر برتهدیدات امیریا لیسیم آمریکا برقرار نمودید؟ شما بقیه در صفحه ۸

زنان ، حجاب و هوس

بفیهار صفحہ اول

نات ارتجاعی و وابسته به بیگانگی نه نیز فرصت را منتظم شمرده کوشیدند تا بر این ناراضی سوار شده از آن به سود خود و منافعی مدخوم خویش بهره برداری کنند و در سوگ " از دست رفتن " این " آزادی " سپاه پوشیدن و حتی شعاعی هائیکه نیز بفتح بختیاری رخا ثن عنوان کردند . پاسداران به صف نظرها ت زنا متعرض حمله کردند و زود خورد صورت گرفت و جمعی نیز دستگیر و مضر و شدند و بدین ترتیب مسئله حجاب و " پوشش اسلامی " ، مسئله شد . آنهم در شرایطی که عمال ارتجاعی و امپریالیسم برای حمله به انقلاب و انجام یک کودتای آمریکائی کمین کرده و مترصد فرصت مناسب بودند و دستهای ناپاکشان در همه جا و در دوسوی اینس جریان آشکار بود .

برای بسیاری از زنانی که متصرف این پوشش اجباری هستند ، مسئله به عنوان دستبرده آزادی در انتخاب لباس و آزادی در مجموع خودش مطرح شده و آنرا کامی میدانند در جهت تحمیل روش خاصی از تفکر و زندگی به همه مردم و مقدمه ای برای تسلط استبداد مذهبی بر مملکت است کشور . گرچه ممکن است طراحان این حرکت نیز مسئله را بهمین عنوان مطرح کرده و خود نیز چنین خیال هائی را در سر داشته باشند ، لکن با رکیست ها در بررسی مسائل ، انگیزه ها و موهوم پرستی ها را مبداء تحلیل خویش قرار نداده ، قبل از هر چیز به مسائل از دیدگاه منافع طبقات مختلف و آنهم در مقطع تاریخی مشخص مورد بحث برخورد کرده ، همه جوانب مسئله را می سنجند و مواضعمان را بر بنیاد منافع و یاهو منافع و مصالح انقلاب استوار می گردانند .

قبل از هر چیز ضروری است بدانیم که کمونیستها با لای بالیگری و لباسهای زننده و جلف زنان و مردان سخت مخالف بوده ، اجازه نمیدهند که زیر لوای " آزادی " ، فرهنگ پوسیده و مرثعانه استعماری رونق یابد ، در نظر آنها زن کالا نیست که رنگ و روغنی زنند و بر حسب مسدودر به نما پیش گذارند ، در نظر آنها زن

وسيله شهوت رانی و ارضای خواسته های جنسی مرد نیست که با لباسهای جلف و زننده به کوچ و بازاریا بدو مروج فساد باشد . کمونیستها بهتر از هر کس دیگری میدانند که محافل بورژوازی حاکم در کشورهای امپری-

الیستی از زنان چه کالاهائی برای آب کردن محصولات کارخانجات تولید کننده لوازم آرایش و لواشهای ضد ساختند و چگونه با ترویج یک فرهنگ منحط ارتجاعی میکوشند تا زنان و مردان را به این مشغولیات بیهوده سرگرم سازند ، تا هم پولی به جیب زنند و هم توجه آنها را از ضروریات مبارزه بر علیه این نظامات ارتجاعی منحرف گردانند . ما نیک میدانیم که در حالیکه زنان زحمتکش همه کشور های جهان و بویژه کشورهای صادر کننده این فرهنگ منحط زیر شدیدترین ضربات خورده کننده استعمارگر - شان خمشده و ستمهای فراوانی بر آنها روا میشود ، محافل ارتجاعی این کشورها چگونه میکوشند تا آنان را به آرایش و مدرسگرمانند سازی بردن به ما هیت واقعی ایمن مردم - تجمین محروم با شند ، از این روشنگ نیابند تا آنکه ما دشمن سر سخت این فرهنگ منحط و سازندگان آن هستیم و فرهنگ انقلابی طبقه کارگر حاکم میکنند تا فرهنگ استعماری بهمراه سازندگان آن در زبان لهدان تاریخ دفن شوند .

در عین حال کمونیستها به هیچ روش موافقی آن طرز تفکر و آرایش گدایان " زنان را کالا و اسباب رفیع شهوت مردان دانسته و لیکن ترجیح میدهند که این " اسباب " از نظر غیر پوشیده با شند و چنین می بیند از گدایان چه موی سر زنان آشکار باشد ، باعث ترویج فساد خواهد شد و با نتیجه آنان را به آن طرز خاص " پوشیده " نگه میدارد و نیز تنبوه و نمی توانیم با شیم . میکوشند در موی سرش پیدا باشد ، باعث تحریک مردان شده و موجبات ترویج فساد را فراهم خواهد آورد . عجیب ! مگر این مردان شما با حیوانات وحشی و پسا سادست های شهوت ران هیچ فرقی ندارند که این چنین " تحریک " می گردند ؟ این چه مکتبی است که پس از ۱۴۰ سال هنوز نتوانسته ، این " نفس سرکش " را لاقل تا آن حدی مهار سازد که از دیدن موی سر زن عنان اختیار را از دست ندهد ؟ این مکتب

از دریچه چشم مردانی نوشته شده که زنان را بالاتر از اسباب رفیع شهوت نمیدانستند و از اینرو این نسوع " پوشیدگی " را مبنای حل " معضلات " خود قرار داده اند . می پرسیم اگر طراحان این " مکتب " زنانی از این قبیل بودند ، آیا مجاز نبودند که همین قواعد را برای مردان تعیین کنند ؟ شرایط زندگی انسان و قبیل از هر چیز نظامی که برای این شرایط حکم میراند ، طرز تفکر انسان را نیز شکل میدهد . انسان نفسا موجودی شهوت ران و تولید نیست ، آنچه انسانها را شهوت ران و تولید میکند ، شرایط و محیط زندگی آنها و فرهنگ برخاسته از نظام حاکم بر آن محیط است و در نتیجه برای بر طرف کردن معضلات فرهنگی ناشی از این شرایط نمیتوان راه حل را در " حجاب " و " پوشش " جستجو کرد و بلکه باید عامل اصلی را از میان برداشت . کمونیستها توجه خود را به این عوامل اصلی معطوف میکنند و بر اندازای این عوامل را در دستور کار قرار میدهند ، چه نیک میدانند چنانچه این عوامل گریخته در نظام پوشیده حاکم بر کشور ما دارد از میان بزداشته شود ، چه با پوشش و چه بی پوشش فساد ادامه خواهد داشت .

اگر به تاریخچه " حجاب " در کشور خودمان نگاه کنیم ، بیایم که در آغاز این " حجاب " مورد توجه فرهنگ و طرز زندگی طبقات مرفه و حکمران کشور را در گذشته بوده است . در زمانیکه چند همسری در کشور ما رواج داشت (و تا فکته کنیم که این چند همسری و حرمان را انداختن نیز خاص طبقات مرفه بوده و طبقات محروم و زحمتکش جاعت ، هیچگاه استطاعت مالی این روش زندگی را نداشته اند) طبقات حکمران کشور (خانها ، فئودالها ، شاهان و درباریان قدیم) هر یک چندین تا چندین دهه و حتی چند صد زن در اختیار داشتند و از این زنان چون هر چیز دیگر جهت ارضای خواسته هایشان استفاده میکردند . زن برای آنها وسیله رفیع شهوت و تزئین حرمان بود (در حالیکه جایگاه زن در میان طبقات محروم و زحمتکش درست بر عکس این بود و جایگاه زن در یک خانواده زحمتکش بعنوان فردی کسسه دوش دوش همسرش زمین را شخم میزند و میکار و در در میگرد و زحمت میکند ، والا ارزشمند بود و این طبقات هیچگاه به این روشهای کثیف آلوده نبوده اند) . طبقات مرفه و حکمران

کشور ما چنین جایگاهی که برای زن تعیین کرده بودند ، طبیعی بود که بخواهند از این " اسباب رفیع شهوت " محافظت نیز بعمل آورند و اجازه ندهند تا " استفاده " از این " اسباب " از انحصار آنان خارج شود . از اینرو آنها حرمان را " اندرونی " داشتند که هیچ بیگانه ای حق ورود به آنها نداشت . لکن از آنجائی که ایمن زنان بالاخره میبایست موقعی هم از منزل خارج شده و یا سفر نما یند ، فکر " بکر " این حضرات چاره ای نبود . پوشیدگی و ههای در بسته و چادرهای بزرگی که بردوش استران و شترها قرار میدادند و نوعی اطاق ویا حرمان - سرای پوشیده متحرک بود را ابداع کردند . میگویند احتیاج ما در اختراع است و چنین احتیاجی چنین اختراعی را هم طلب میکنند . طبقات حاکم بر نظام یک کشور ، فرهنگ غالب بر آن کشور و مردم آن کشور را نیز تعیین می کنند و در نتیجه این طرز " پوشش " درجا مع نیز رواج یافت و " قانون " و " مکتب " شد و بتدریج به مذهب نیز رسوخ کرد و شکل مذهبی نیز بخود گرفت . زادگاه چادر و حجاب ، سر خلافت تصور ، نه عربستان و آغازگران اسلام ، بلکه ایران و طبقات فئودال و شروتمندان شهوت ران این کشور بوده است . بهر رو ، از آنجاکه طبقات محروم جامعه ، امکان مالی تهیه این قبیل کجا و ههای پوشیده را نداشته اند ، شکل ساده تر و ارزان تر آن بشکل چادر و روبند و حجاب در میان عامه متداول گشت . از اینرو چادر و حجاب از دوران حرمانهای طبقات مرفه برخاست و به جامعه تحمیل گشت ، اما زمانه ما کن نمی ماند . با رشد تولید و وجود آمدن نظامات جدید و بویژه در عصر سرمایه داری در این فرهنگ و روش نیز تغییراتی رخ داد ، در این جوامع کالا ارزش و مفهوم دیگری میباید . اگر یک فئودال و خان ادوار گذشته ، کالاهای خودش را در جهت ساختن کاخ و بر طرف کردن امیال شخصی اش صرف میکرد ، سر - ما به دار این کالاهای جهت بدست آوردن سود به گردش در می آورد و سر - ما به اش را انباشت میکند . در این دوران ، زن محروم که همیشه چون کالا به ادواری بسته شده است ، تحت تاثیر این تغییرات ، بدیختی های بیشتر و ادواری تر خود میباید . در گذشته منافع طبقات مرفه حکم میکردند و " پوشیده " یا شاد و اینک منافع حکم رانان جدید حکم میکنند و زن به

زنان ، حجاب و ۵۵۵۵۵

بیجا رستم ۴

هستند ، خود را در هیچ زمینه ای تسلیم نمی کنند و به سنت محکم می چسبند . در کشور ما مسئله جاذبه در نین چنین نقشی را در جریان مقابله با امپریالیستها ایفاء کرده و میکند . نگاهی به طرز پوشش زنان " بالای شهر " و پائین

شهر ، بخوبی نشان دهنده مرز گسسته اینان را از هم جدا میکند میباید شد . البته بالای شهری ها میگویند زنان پائین شهر " احمق " و " بی سواد " و " بی فرهنگ " هستند و گرفتار " خرافات " میباشند . اما ما از این بالای شهری ها انتظار هم بیش از این نداریم ، سرمایه داران و فئودالها و روشنفکران وابسته به آنها ، هم چیز کارگران و دهقانان را " احمقانه " و " عقب مانده " میبینند ، حال آنکه آن لباس مختصر زنان کارگران دهقانان سداختها را اولیا سپای " قافرخ " و جلف زنان طبقات ثروتمند سندننگ آنهاست . بر خورد ما به مسئله حجاب در صورت خود و همچنین جایگاه و نقشی که در مخط کتونی دارد چنین میباشد .

* در شرایط کتونی جامعه و با حفظ ریاضی های بالا ، در حالیکه ارتجاع امپریالیسم مترصد فرصتی برای حمله به انقلاب ما و سواستفاده از آن است . بی های موجود در سطح مردم هستند ، ما برای غلبه بر آنها باید طبقه کارگران و سواستفاده از آنها را به هم پیوند دهیم و با هم متحد گردانیم . مسئله و آنهم از آنست که هیومن واپس گرا و با لاجرم به نامی سوهه تحمیلی ، اصولا درست نبوده و تنها کلهی از مشکلات این انقلاب بخود کشد ، بلکه موجبات سواستفاده از آن را گودنا خروا ارتجاع و امپریالیسم نیز شده و سوادش به جیب آنان حوا هدر رفت . در نتیجه هم برخلاف آن گروه های سیاسی ایگنگه روزندگی را رها کرده " سنگر " دیگری یافته اند و این مسئله غیر عمد را به یکی از مسائل عمده مردم گراسی و استقلال کشور میداند ساخته اند و هم برخلاف آن دسته از گروههایی که مقاصد طرا حان و ایستگرایین جبارو جنجال را ندیده گرفته و خود را از آن کاملاً گنا رگشیده اند ، ضروری می باشد تا نیمه توجه همه زنان مبارز و انقلابی را به وظایف اصلی و خطیبر کتونی انقلاب در مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم جلب نمائیم و اصرار ورزیم که بویژه آنها عمده دار حفظ وحدت دموکراتیک و صدا میریالیستی همزمان مبارز ایران هستند و ضروری است تا در عین توضیح مسئله حجاب و

مقاصد مبلغین و ایستگرای کتونی آن ، به هیچ رواج از ندهند تا این مسئله موجبات شکافی را در این جبهه فراهم آورد و با سواستفاده از آن ارتجاع و امپریالیسم در راه ادامه انقلاب برانگیرند ، زیرا بدون برانداختن بقایای نظام گذشته و ایجاد نظامی انقلابی و مبتنی بر منافع زحمتکشان ، زنان ، چپها پوشش اسلامی و چپهای پوشش اسلامی ، همچنان " کالا " خواهند ماند ، عرصه اصلی نبرد اینجاست .

در اشتباهی آوری نکته ای را نیز ضروری میدانیم ، حضرات " شورای انقلاب " و جریانات بورژوا - لیبرال مذهبی ، از فرار برای " پوشش اسلامی " زنان فرمها و مدهای خاصی را عنوان کرده اند و میخواهند زنان کاملاً متحدان شکل گردند . این قبیل مدرثاشیها بخوبی نشان می دهد که این آقایان بورژوا تا چه حد حتی از مسئله حجاب و پوشش زنان رحمتکشی بدور هستند و برای زنان طبقات مرته و متوسط شهری ، آنچنان پوششهایی را توصیه میکنند که کاملاً رنگ و شکل بورژواشی دارد و از لحاظ مانی نیز فقط از عهده زنان وابسته به همین طبقات مرته و متوسط برمی آید . انسان میخواهد بیدیک سنت فئودالی رنگ بورژواشی بزنند ، اینرا میگویند سواستفاده از آن!

در " دادگاه " تقی شهرام ۵۵۵

کرده اند اکنون گویا به خونخواهی از مجاهدین خلق تقی شهرام " محاکمه " مینمایند !!
" دادگاه " که این حضرات پس از آنهمه جاذبه و جنجال بر راه انداخته اند در حقیقت برای روشن شدن ماجرای تقی شهرام و شریف واقفی آنچه که در زمان مجاهدین خلق گذشته است نمی باشد و تشکیل دهندگان این " دادگاه " اصولاً چنین هدفی را دنبال نمیکنند بلکه هدف اینان از تشکیل چنین " دادگاهی " چیزی نیست مگر به محاکمه کشاندن جنبش کمونیستی و انقلابی ایران و خیال خودشان بی اعتبار کردن آن در اذهان توده ها . بنا بر این از نظر مردم ایران و تمامی کمونیستها و سواستفاده از آن این کشور جنبش مجاهدین است که در پشت آن منافع ارتجاعی و سواستفاده از آن در روسته های مطوم الحال نهفته

است محکوم میباید شد ، برواضح است که مردم ایران و کلیه نیروهای انقلابی خواهان روشن شدن این مسئله هستند که در سال زمان مجاهدین خلق ایران چه گذشته است و چه کسانی با اشتغال شیوه های ناروا شرایط مناسبی را جهت سواستفاده ها و بهره برداریهای مرتجعین و سواستفاده از انقلابیون فراهم ساخته اند . البته که ما خواهان تشکیل دادگاهی جهت رسیدگی به این امر که طی سالهای اخیر ضربات جبران ناپذیری بر جنبش کمونیستی و دموکراتیک ما وارد ساخته است هستیم ، اما این دادگاه باید دادگاهی باشد مرکب از نیروهای انقلابی و بویژه سازمان مجاهدین خلق ایران ، فقط چنین دادگاهی صلاحیت دارد که مسائل مطروحه در سال زمان مجاهدین خلق را که موجب اشتغال شیوه های ناروا در این سال زمان گردیده است مورد بررسی قرار دهد و در خلال آن به پرونده تقی شهرام نیز رسیدگی نماید .

فتنه انگیزان شروری چون حجت الاسلام معاذینخواه و دارو دستهاش که در طول یکسالونیم گذشته دستهای کینه عمیق خود را نسبت به نیروهای انقلابی میهن ما نشان داده اند هیچ وجه صلاحیت رسیدگی به پرونده تقی شهرام ندارند چرا که اینان خود مجرم اند و در طول همین یکسال گذشته مدهاتن از جوانان انقلابی این آب و خاک را به خاک و خون کشیده اند و با به جوخه های اعدام سپرده اند . اینان خود مجرم اند و با دیدن دادگاه خلق محاکمه و به حسابان رسیدگی شود و به کیفیت شهبکا ریها نشان رسانده شوند . کسانی که مسئله تقی شهرام را بانه ای جهت ابراز تمایلات ارتجاعی و سواستفاده از آن خود کرده اند بیدنیست بدانند که کمونیستها هرگز کسی را بخاطر عقاید سیاسی و یا مذهبی اش مورد توهین یا تحقیر قرار نمیدهند تا چه رسد به اینکه کسی را به خاطر عقاید سیاسی و یا مذهبی اش مورد ضرب و شتم و یا ترور قرار دهند . کسانی که در جهت حرکت تاریخ و بخاطر تحقق بخشیدن به آرمانهای زحمتکشان و محرومان جامعه ما بر میدارند هرگز به جنبش شیوه های منط دست نمی یازند ، بلکه این مرتجعین و نیروهای میرنده جامعه و کورانیدینا نی چون دارو دست حزب جمهوری اسلامی و گروههای تابعه اش هستند که تصور مینمایند با توسل به ترور و ضرب و شتم کمونیستها و سواستفاده از آن میتوانند حرکت تاریخ را سد کنند و از رشد و حرکت نیروهای رشدیابنده و انقلابی جلوگیری نمایند .

"دکه داران"

هفته پیش شهرداری تهران با صدور اطلاعیه‌ای تحت‌الوای "پاکسازی" بر علیه دکه‌داران تهران اعلام جنگ گردوبه آنها برای جمع کردن دکه‌ها - بین فرصتی چندروزه داد، بیروا بین اطلاعیه شهرداری، دکه‌داران بسط مخالفت بلند شدند و در خلال اجتماعات اعتراضی که در گوشه و کنار شهر ترتیب دادند، طبق معمول درگیری - هایی با مقامات و نیروهای انتظامی پیش آمد که منجر به شهید شدن چند تن از دکه‌داران و مجروح گردیدن تعداد بیشتری گردید.

دکه‌داران حق داشتند و دارند، شهرداری تهران و همه دولت‌مردانی که به پستی‌بانی از شهرداری بلند شدند، تحت بهانه‌های قلبی و ارتجاعی قصد بریدن نان عده کثیری از مردم را داشتند، شهرداری تهران این حرکت را تحت نام "پاکسازی" و جلوگیری از "شکستن قانون" و "حفظ زیبایی شهر" ... انجام داد و برای توجیه عملیات خرابکارانه خود که آدم‌ها به یاد بولدوزرهای آریا مهری خراب - کننده آلونکهای حاشیه نشینان می - اندارد، به کثیف ترین اتهامات نیز متوسل گردید، چون اینکه گویا دکه‌ها "مراکز توزیع هروئین و مراکز فحشاء" گردیده اند!! دستگاه‌های دروغ پردازی دولت طبق معمول به راه افتادند تا در افکار عمومی از **دکه داران**، عده‌ای خرابکار و بیچاره سازند و خراب کردن دکه‌ها را موجه جلوه دهند. وزارت معلوم الحال کار اعلامیه‌ای صادر میکنند که برای همه دکه‌داران کار موجود است!! و کسی نیست که بداند این عوام فریبان بگوید اگر شما کار داشتید و دارید پس چرا ۱۷ ماده است که به کارگران بیکسار کاری رجوع نکرده‌اید؟ همه اینها برای لوث کردن اصل قضیه است.

دکه‌داری و شغل‌هایی از این قبیل نتیجه‌وارز شده - اوضاع اقتصادی - اجتماعی است. قمار زنی و سوداگری نداشتن یک شغل مطمئن، بیکاری آنکار و پنهان، بسیاری را مجبور میکند که به اینگونه شغل‌های مصلی و نامطمئن و با درها متوسل گردند تا جرخ خادو خا نوا در را بگردانند. این امر را ندیم لایم در ایران را هیچ

بوده است. نظام اجتماعی - طبقاتی منحنی که بسیاری را مجبور می‌کند و میکند که دست تکدی بسوی این و آن دراز کنند، بسیاری از مردم با شرف و حیثیت را به سوی شغل‌های بی‌معنی و نامطمئنی چون "آب حوضی"، "برف - پاروکتی" و "لبفروشی" و "بلال - فروشی"، "اسکیموشی" و ... سوق می - داد و میدهد. **دکه‌داری** ادامه همان روند است ولی بصورت نظامی شده است. از آب زرشک فروشی به آمیوه‌گیری، از لبفروشی و آتش فروشی به تئیه - خانه‌های کناری بانی و ...

در گذشته، دهقانان رانده شده از روستا که موفق به یافتن کارناتی نمی‌شدند، دهقانانی که کار در روستاها کفایت زندگیشان را نمی‌کرد، و با طلب اصلی اینگونه شغل‌ها بودند، در گذشته "تحصیل کرده‌ها" (یعنی کسانی که دیپلمه یا حتی تصدیق ششم ابتدائی و سیگل را داشتند) کاری در سوپر مارکت سی دولتی دست و پا میکردند و بصورت کارمند و ... درمی آمدند. ولی امروز دیگر گذشته نیست. در کنار رخیل عظیم رانده شدگان از روستا، خیل وسیعی از دیپلمه‌های بیکار نیز به درون اجتماع روان گشته است. دیگر بیوروکراسی دولتی آنقدر فربه و در عین حال بی - مصرف شده است که جوابگوی این "تحصیل کرده‌ها" نیست. امروز حتی برای تغلی چون شستن اتوبوسهای شرکت واحد، یکی از شروط داشتن حداقل تحصیلات تا سیگل است!! بنا بر این در کنار تهیدستان شهری و روستائی که بداندین شغل‌های مصلی و نامطمئن رومی آورند، دیپلمه‌ها و جوانان بیکار نیز مجبور به تن دادن به این اوضاع میشوند. (اگر چه در دهنهایشان رویاهای سرگردانی داشته‌ودا رند)، با بحران موجود اقتصاد، و با لافتن درم‌بیکاری، عده زیادی از کارگران ناغل نیز بیکار شدند و به خیل داوطلبین این گونه شغل‌های خیابانی پیوستند. (التمسختی از کارگران بیکار) برای این میتوان نتیجه گرفت که دکه - داری، با طور عام شغل‌های مصلی و نامطمئن خیابانی، در حال حاضر داوطلبینی از میان تهیدستان شهری و آواره شده از روستاها (بطور نسبی) و

دیپلمه‌ها و جوانان بیکار روهم چنین کارگران بیکار (بطور مشخص کنونی) را را می‌باشد. همانطور که گفتیم عامی اصلی رشد اینگونه شغل‌های غیرنات همانا اوضاع اجتماعی - اقتصادی و بیکاری پنهان و آشکار سرسام آور می‌باشد.

دکه‌داران و دارندگان اینگونه شغل‌ها اساساً در پی گذران زندگی هستند، در پی آنند که نان بخورند و نمیرند دست و پا کنند تا خود و خانواده‌شان از گرسنگی هلاک نشوند. بنا بر این از حرص و طمعی که بورژوازی و خسرده - بورژوازی مرفه و جا افتاده برخوردار دارند، ب میزان قابل توجهی بسودر هستند. اساساً اجناسی را که عرضه می - کنند، ب میزان قابل توجهی ارزانتر از فروشگاهها و دکانهایی که جنس مشابه می‌فروشند، می‌باشد. و از همین جا تضادی آشکار میشود، بین بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه و جا افتاده که خود را توزیع کننده اجناس مصرفی میداند، و این دکه‌داران کناری - بانی که هر روز بیشتر و بیشتر مشتری‌ها را بسوی خود جلب میکنند. بسواری همین نمایندگان بورژوا مسلک مرتباً از دکه‌داران می‌نالیدند که گویا اینان چهره شهر را "زشت" کرده - اند، که گویا اینان از "آزادی" سوء - استفاده کرده و معا بر اس کرده‌اند و هزارویک بهانه و دلیل سن در آورده دیگر. و از همین جا ست که شهرداری جانب این بورژوازی و خرده بورژوازی طماع را میگیرد و دیکتا تور منشانه دستور تخریب دکه‌ها را میدهد. و وزارت کارشان هم با جنجال و هوچی گری بسط آنها وعده کار میدهد، وعده‌ای که همه

میدانند اگر دروغ محض نباشد (کس هست) با یاش بر روی آب است ولی آیا مسئله‌ای حل شده است؟ این اوضاع هست، تا بیکسار و پنهان و آشکار نتیجه نظام عقب - مانده و وابسته اقتصادی - اجتماعی است. دکه‌داری و شغل‌های نامطمئن کناری بانی نیز به زندگی عوام ادا می‌دهد.

شهرداری و دولت تنها کاری که کرده اند بخریل نا رضیان افزوده - اند. جنبش کمونیستی و نیروها - انقلابی با یاد آگاهانه در جهت سازماندهی این قشر از جامعه حرکت کرده و با سیاستی درست و اصولی عین دفاع از منافع این محرومین جامعه در مقابل حملات بورژوازی، آنرا را در جهت مبارزه فدا میریایستم و دمکراتیک هدایت کنند. جنبش کمونیستی و نیروهای انقلابی با یاد آگاهانه به این امر مهم توجه کنند که عوام مل ارتجاع و امپریالیسم، ساواکیه و بختیاری‌ها، نیز در این اوضاع سخت در تلاشند تا بر نافرمانی‌ها بحق توده مردم سوار شده و آن را جهت امیال و اهداف فدا انقلابی ارتجاعی خویش جهت دهند، همانگونه که در مبارزات دکه‌داران بعضاً نقب خرابکارانه آنها هویدا بود. بدین منظور رهبری اینگونه مبارزات طرافت خاصی برخوردار بوده و مسائل مرکزی تلفیق خواسته‌های اقتصاد آنها با آگاهی سیاسی و جهت دادن آ برای ریشه‌کن ساختن عوام مل اصلا این اوضاع یعنی نظام امپریالیسم عقب مانده و وابسته می‌باشد.

حقیقت

**ارگان اتحادیه
کمونیستهای ایران
را بخوانید و پیش کنید**

دهید؟

توطئه یک کودتا کشف و خنثی شده است. شما در برابر آن دورا و بیشتر نذارید، یا آنرا نیز چون مبارزات ضد امپریالیستی مردم ما "های هو" و "فریبکاری" بنا میدوخیال خودتان

خطر کودتا هنوز باقیست ۰۰۰۰

بغیاه ز صفحه ۳

را راحت شما شنید و یا بپذیرید که حقیقتا توطئه ای از سوی آمریکا و ارتجاع زخم خورده در جریان بوده است و می - خوانستند کودتائی راه بیا نذارند و کشتار روحشای نه ای را سازمان دهند. در این صورت آیا بما و همه مردم و کارگران آگاهه حق نمیدید که از شما دلایل این توطئه را جویا شویم و بپرسیم که چگونه آمریکا حاضر است بر علیه رژیم که وابسته به خود است و بقول شما حتی بهتر از آمریکا به سرکوب مبارزات مردم پیدا خسته است کودتا کند؟ و با ساز آيا حق نذاریم بپرسیم که در برابر این خطر عظیم، از جانب شما، که خود را پیشتر از این مردم میدانید چه کاری صورت گرفته و چه گام معینی در جلوگیری از آن و آگاه نمودن مردم نسبت بآن برداشته اید؟ آخر مسئله شوخی گوییست، پای سرنوشت یک انقلاب و یک ملی در میان است. در برابر این انقلاب شما چه میتوانید بگوئید، چرا آنقدر طول ایندوران نه تنها کاری در جهت مقابله با این خطر برداشته اید، بلکه تبلیغ نیز کرده اید که اصلاح طلبان حظه در میان نیست. با شما فقط حرف حق و واقعیت است که باید بگوئید و با شما در این امر عده ای هم و هم متراستند که دلیل این انحراف را پیدا کنیم و کار را با اشاره به آنچه همه میدانند تمام نکنیم. حقیقت اینست که شما -

متاسفانه نه بی آنکه از گذشته درس گرفتند یا شنید، همان مواضع را بشکل دیگری تکرار کردید. گفتید که ممکن نیست آمریکا در ایران کودتا کند، زیرا رژیم حاکم منبغ آمریکا عمل میکند و حافظ منافع اوست. گفتید که این نیز جزهیا هو و جنجال چیزی بیش نیست و علیرغم آنکه بپذیرفتید که خرده بورژوازی شریک در قدرت سیاسی با امپریالیسم "صدیت" دارد، لکن تبلیغ کردید که "لبه تیز حمله" باید متوجه خرده بورژوازی باشد (نگاه کنید به مقاله امپریالیسم آمریکا: کودتا، دخالت نظامی یا جنگ داخلی؟، رزمندگان شماره ۱۳، خرداد ۵۹)، گفتید که آمریکا خیال کودتا ندارد و بلکه می - خواهد از طریق "غیر مستقیم" و با همسو نمودن شرایط و مساعدت های داخلی ایران با منافع خود "عمل نماید" (همانجا). تجا و نظای عراق به خاک کشور ما صورت گرفت و با آنکه روشن بود که این تهدیدات و تجاوزات بخشی از توطئه های امپریالیسم آمریکا است و اینرا حتی مردمی که با نذازه شما تئوری میدانستند در خیابانها فریاد میکردند، اما با شما بر این جنبه ا ز قضایه برده پونا بدید و آنرا "دعای دومرتجع" و "بها - نه ای" برای "سرکوب مبارزات رزمندگان دو کشور" دانستید و بنویسید "شعار" جنگ داخلی " را در زیر پرچم این تجاوزات عنوان کردید (نگاه کنید به اعلامیه ها و مواضع رزمندگان راه کارگروپیک در این زمینه). بیگ کلام شما در طول ایندوران با ساز مبارزات ضد امپریالیستی مردم ما را تخطئه کردید، با زحمتی که از سوی آمریکا و ارتجاع زخم خورده متوجه انقلاب و کشور ما است را تا چیزی جلوه دادید و سران به کارهای دیگری گرم بود. آیا جا ندارد که برای یک بار هم گفته شده، بدور از تفکرهای سکتاریستی و خود مرکز بینا نه ای که جلوی چشماتان را گرفته است به ارزیابی از این مواضع و تاثیرات آن بپردازید و به این ملت و به طبقه کارگر ما پاسخی قانع کننده ارائه

مجبور هستید چنین وانمود کنید که آمریکا نمیخواهد و نمیتواند بخواد بر علیه این هیئت حاکمه دست به کودتا زند. شما تضاد عمده، که همانا امپریالیسم و ارتجاع است را با هیئت حاکمه کنونی عوضی گرفته اید، شما در عمل تضادهای اساسی جامعه ما را نذا امپریالیسم، سرمایه داری و استبداد فئودالیسم، بلکه تضاد میان کار و سرمایه می بیند و میخواند که همه رویدادها و وقایع را در این قالب بگنجانید و ونشی که چنین چیزی ندی نباشد، با لاجرا آنرا "هیئت هو" و "فریبکاری" خواهید نامید. با وجود شرایط ریادی که در شرایط نظرات انحرافی به جنبش ما وارد آمده و بدیهترین وجه نیز از جانب دشمنان آن مورد بهره برداری قرار گرفته، باز هنوز فرصت باقی و کاملاً از دست نرفته است. ما با ردیگر دعوت خود را از کلیه گروهها و سازمانهای جنبش کمونیستی ما نجهت اتحاد سرتیک سیاست و خط مشی اصولی و سبکی بر بنیاد مندیهای واقعی انقلاب و طبقه کارگر میبندیم. تکرار می نمائیم، پرچم مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و خطر کودتا با بد دست کمونیستها باشد و نه در دست آنها نیکه توانائی حملت را نذارند. ما میخواهیم که دستهای ما یکی شود تا این پرچم را بدست گیریم. اما اینکار تا زمانیکه شما بر نقطه نظرات فعلی تا ن کماکان با سازی می ورزید و حتی رویتان را نیز از این پرچم بر کردار نده اید، چه برسد به سنگ منقاری بدست گیریشت. ساید، عملی نیست.

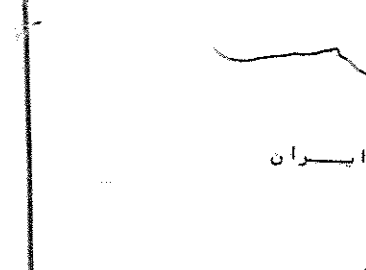
راه را با بلسر بدون نتیجه مانده است. جمعی ای ما موای هوطن ایرانی و مسلمان گذشته از مراتب بالا اکثر هم هواییم اما یکنگاری ما دشمن را در سر رس خود ترا میداد دستوراتش با سید وسیله فرما نده ایستگاه سرهنگ حر - بی ما در میشد و در نبود ایشان این مهم وظیفه سرگرد و ولجالی رئیس عملیات بود و با هم نمیدانیم چرا درست در چنین حمله بالا مسئولین ایستگاه ها غایب بودند و هیچکس اعم از فرماندهان از دربان - آجودان هیچگونه اطلاعی از ایشان نداشتند و ترتیب اثری بهیچ وجه با بین حمله و تجاوزهای قتل به دریای خزر

در نارمک چه گذشت

بات انقلابی در منطقه نارمک حمله کردند و بهر راه گروهی از آنهائی که به "حزب الله" معروف شده اند تجمع فروشندگان نشریات حمله ور میشوند، لکن حمله آنان با مقاومت فرزندگان نشریات و مردم محل مواجه شده بی نتیجه میماند. با سداران بالاخره بروی مردم سلاح کشیده و آنان را بر کباب می بندند که در آن یک نفر شهید و جمع دیگری زخمی میگرددند. سازمان مجاهدین خلق هیچ نقشی در این جریان نداشت و آنکس هم که تیراندازی کرد، یا سدا ربود و شهید شد، اینک روزها ما با چنین وقایع حتی دروغ بر داری می کنند، خود بهترین نشانه ضعف و درماندگی گردانندگان آنهاست و نشانه ندهنده، نقشه های شومی است که در سر دارند. تا دیروز هر کاری که میشد می گفتند، کمونیستها کرده اند و امروز نیز که فرعه بنا سازمان مجاهدین افتاده است، میخواهند هر مسئله ای را به آنها ببندند و برای کارزار مسموم تبلیغات تپیان وسیله و بها جمع آوری کنند. سازمان چریکهای فدائی خلق (اکثریت)، در اعلامیه ای مشوب لیت این جریان را بگردن "چپ روها" و "آنا رشیستها" انداخته است. آن یکی میگوید مجاهدین بودند و این یکی میگوید "چپ روها" و "آنا رشیستها" و عیب اینجاست که هر دو اصرا عربی دارند تا پای پاسداران و مسلمان واقعی این جریان، یعنی گردانندگان حزب جمهوری اسلامی به میان آورده نشود. مقاصد اولیها روشن است، اما چریکها دیگر چرا؟ آیا آنها ذاتا این قبیل موزگیگرها بیانش است که باید جهت نزدیکی به شما را کما بپیردا زند؟ آیا اینهم از آن جمله قول و قرارها نیست که شما پیشتر گذاشته شده است؟ و یا شاید واروسه بینیها ز جمله عوارض بیماری ایورتونیسما است باشد. سپهر حال، مردم هما نظوریکه تبلیغات آن یکیها را با ورنخواهند کرد، تبلیغات دروغین شما را هم نخواهند پذیرفت.

اطلاعیه پرسنل هوائی ۰۰۰۰۰

وسيله فرما ندهائی كه هنوز بسوی عاری از مهرشان را زبر شما مه خود دارند و لقب ما لك اشتر را همدا را میبندند قصد توطئه دارند اده نشد. با درود فراوان بر ما مخلصینی و سلام بر شهدا رهن جان و آزادی و ملت مبارز ایران



ما و "وحدت انقلابی"

بقیه از صفحه اول

تدوین شده بوسیله گروه های فوق در آینده نزدیکی از سوی تشکیلات جدید رسماً در سطح جنبش منتشر خواهد شد، البته هنوز منتشر نگردیده است. طبیعتاً "بیانیه وحدت" و محتویات نشریه ارگان سازمان جدیدینام "انقلاب" نقطه نظرهای مشترک گروههای تشکیل دهنده را بازگو میکند.

از آنجا که اتحادیه کمونیست های ایران یکی از امضاء کنندگان طرح مشترک بهمن ۵۸ و یکی از شرکست کنندگان ملی در بحثهای مقدماتی برای تدوین پلاتفرم ایدئولوژیک سیاسی یا تدوین برنامه و لی در بیان کار به وحدت سازمان جدیدینام نداده است، اظهار میبود که موضع و نظر خود را در مورد این وحدت جدید و علت پرهیز خود از اعلام کند. اما گفته تا این زمان را انجام ما بین کار تبیین صورت گرفت.

اتحادیه کمونیستهای ایران همیشه طالب سازمانها و محافل کمونیستی اروپا و روسا مان یا قسماً هر چه سریعتر جنبش کمونیستی و کارگری برآیند، ما بوده و مسئله اتحاد کمونیستها جلترین وظیفه در برابر همه نیروهای جنبش کمونیستی ایران میدانده و میدانند. لیکن طبیعتاً این وحدت را پذیرا نیستند اصول مارکسیستی-لنینیستی و توافق بر سر خط مشی و برنامه صحیحی نگرفتند و به تشکیل حزب انقلابی نمانند. کارگر کشور ما منتهی شود. البته برای نیل به این مقصود با جدجاری اندیشید و برنامه معینی را پیش نهاد، برنامه های که مقدمات و مراحل نیل به یک وحدت اصولی همه جنبش و تشکیل حزب انقلابی را احتیالمقدور روشن گردانید و به پراکندگی و پراکندگی گنده کاری موجود در جنبش ما، که در

خود مدد را نه اصولاً توسعه فرقه گیری و گروه بازی در درون جنبش کمونیستی و اشتیاق اعضای سازمانها و محافل کمونیستی به وحدت، طرحی را برای متحد گردانیدن جنبش کمونیستی و رهبری گام به گام کمونیستها به سوی

میساخت و بعلاوه درک درست و حتی المقدور دقیقی از معضلات جنبش کمونیستی ما، اشکالات و انحرافات آن و چگونگی برخورد به آنها و مبادی برای رفع آنها بدست میداد. در اینجا یک رشته مسائل تئوریک پایه ای، که لازم است تدوین یک برنامه سیاسی حزبی است، مانند بررسی ساختار اقتصادی - اجتماعی جامعه ایران، مسئله اصلی و نقش جنبش دهقانی و احیاناً پاره ای از مسائل جنبش کمونیستی جهانی و کشوری که معیارهای هفت گانه کنفرانس وحدت دربارها آنها سکوت کرده بود، میماند که باید در دوره گذار، یعنی در جریان فعلی لیت ستا دیا شورای هماهنگی یاد شده تا برگزاری کنگره وحدت جنبش، همراه با ایجاد مقدمات برنامه های

از رفقای "وحدت انقلابی"، که به توضیح اشاره اشان بجا بوده، بنشینید: "کودتا را قریب الوقوع دیدن... قریب بوده ها و... خیانت به بندها بشمار می رود...". ("انقلاب" - شماره ۵، ۷ خرداد ۵۹)

حال پس از کشف سرب کوب توطئه کودتای آمریکائی اخیر، چند هفته پس از انتشار مقاله رفا، و همچنین هشدار ما به همه انقلابیون و مردم ایران راجع به یک کودتای آمریکائی، قضایوت کنید که چه کسانی مشغول تریب توده ها و... بوده اند. یا نا پدید "ها هو" و "خیمه شب بازی" بوده است!!

یک خط مشی یا منشور سیاسی، کهسب جوایب گوی تبلیغات سیاسی مشترک و فعالیت انقلابی فعلی کمونیستها در اوضاع حاضر کشور باشد، وظیفه سر و سامان دادن به جنبش کمونیستی، متحد و همروال گردانیدن سازمانها و محافل و ایجاد مقدمات تئوریک، سیاسی و تشکیلاتی دعوت یک کنگره حزبی را برای وحدت کل جنبش کمونیستی ما فراهم گردانند. به عبارات دیگر یک وظیفه و ویژه ای در برابر این "شورای هماهنگی"، "تشکیلات گذار" یا "ستاد" قرار داشت که تا حال بر دوش هیچ یک از سازمانها و گروه های موجود در جنبش کمونیستی ما نبوده است. خط مشی یا منشور سیاسی یاد شده با ایجاد رجوب فعالیت سیاسی و تبلیغات مشترک گروه های تشکیل دهنده ستاد کمونیست و همچنین سیاست و تاکتیک مبارزه آنها را برپا یسند تحلیلی از انقلاب و شرایط سیاسی فعلی کشور از جمله قدرت سیاسی کمونی و نیروهای کامبرآن، شفا ده های اساسی و عمده جامعه و وظایف سیاسی طبقه کارگر در قبال جنبش عمومی دموکراتیک و خدا مپریالیستی روشن

رزین آزادی طبقه کارگر"، "مبادی رزان راه طبقه کارگر"، "اتحاد انقلابی برای رهائی کار"، "پیوند" و ما رسید و سرانجام در بهمن ۵۸ انتشار یافت.

پس از آن در جریان بحثهای که بمنظور تدوین یک پلاتفرم یا منشور ایدئولوژیک - سیاسی مشترک میان گروههای یاد شده صورت گرفت دشواری حل و فصل برخی مسائل مورد اختلاف در زمینه ارزیابی از واقعیت مبادی رزات طبقاتی و ملی در جامعه، نیروهای حاکم در قدرت سیاسی و سیاست و تاکتیک مارکسیستی، که به ارزیابی از اشتباهات و انحرافات حاکم پس از جنبش کمونیستی طی یکسال پس از قیام بهمن و حتی قبل از آن مربوط میشد، کاملاً هویدا گشت. البته در جریان این بحثها چند گروه دیگری هم گروه "آرمان"، "نبرد برای رهائی"، "کمیته نبرد" و بعدها در بیان بحثها دو گروه "زمندگان (م-ل)" و "پیکار خلق" نیز بطور موقت داخل کار شدند، ولیکن برخی از آنها اصولاً طرح مشترک یا شده را قبول نداشتند و تمایلی به حرکت متحد کننده ای که آغاز شده بودند نشان نمیدادند. بعلاوه همه آنها از مواضع "ماورای چپ" و نیمه تروتسکیستی برخوردار رسیده و بالاخره یکی پس از دیگری از جمع دیگران جدا شده و بی کار خود رفتند.

بدون شک شرکت دادن این گروه ها، که چندان تعهدی به کار نداشتند و آشفته فکریان در باره مارکسیسم و عدم جدیتشان در قبال نظم و برنامه طبقاتی جزئی تیر منفی بر روال بحثها نقشی ایفاء نمیگردند، کار اشتباهی میتوانست تلقی شود. ولیکن پنج گروه اصلی کمونیست با جدیت به کار خود ادامه داده و سرانجام نوشته مشترکی را که پس از سه چهارم رفا تغییر و اصلاح و با کمسودهای به تصویب چهار گروه از ایشان رسیدینام "پلاتفرم" تدوین کردند. در آخر چهار گروه دیگر نیز، که نامهایشان در "بیانیه وحدت" آمده است، با این "پلاتفرم" اعلام موافقت کردند. لیکن سازمان ما بدون دلیل نتوانست با این "پلاتفرم" اعلام موافقت کند و بدین رای منفی داد. دلیل نخست اینست که نوشته یا "پلاتفرم" یاد شده دارای ناروشتیها و التقاتلهای قابل توجیح بود و در آن درست و نادرست بهم آمیخته شده و در عرصه مبارزه طبقاتی و ملی در جامعه سیاست و تاکتیک کلی، بهم و نگاه التقاتلی و قابل تفاسیر گوناگونی عرضه شده بود. بقیه در صفحه ۱۰

ما و "وحدت انقلابی"

بقیه از صفحه ۹

مشترک چند گروه فوراً اعلام نکرد. ماضن اعلام مخالفت با پلاتفرم تدوین شده موضوع شرکت یا عدم شرکت خود را به شورای سراسری سازمان (یا کنگره سالانه) خود اعلام کردیم تا اصلاح و شتاب اینکار از لحاظ اصولی روشن

گردد. لیکن شورای سازمان ضمن آنکه یکپارچه بر مخالفت سازمان با متن پلاتفرم یا دشمنی صحه گذارد و با رضمن آنکه همه نمایندگان شورا یکپارچه مشتاق وحدت جنبش و اتحاد گروه همادر "تشکیلات گذار" بودند، نتوانست در باره صلاح بودن شرکت ما در مراحل بعدی اجرای طرح مشترک، یعنی سی ایجاد "تشکیلات گذار"، در وضع فعلی به نتیجه برسد. در نتیجه سازمان ما از شرکت در "ستاد" یا "تشکیلات گذار" که قرار بود بوجود آید پرهیز کرد و این مساله را نیز به رفقای گروه های دیگری که به اتحاد رسیده بودند اعلام داشت.

پس از انتشار "بیانیه وحدت" به ماضی هشت گروه و انتشار نشریه ارگان سازمان جدید که ملا برستیا مکشوف گشت که گروه های که بر اساس پلاتفرم التقاطی و ناقص یا دنده به اتحاد رسیدند درجه مسیرا نحرافی گام برداشته اند. آنها بیش از پیش نقطه نظرها و برداشت های سیاسی خود را به

نفع انحراف اپورتونیستی اصلی حاکم بر جنبش ما فرموله کردند و در همان گامهای اول همان پلاتفرم التقاطی، مبهم و ناقص را هم بدور انداختند. طبعاً با بدستنات قضات و کشمکش های عیدیه ای نیز از این بابت در میان نشان رشد کرده باشی. لیکن بهر حال تفکرو سیاست حاکم بر آنها بتدریج خطوط فاصل میان ایشان را با تفکرو سیاست های بغایت انحرافی حاکم بر جریانهای ما نشاند. "سازمان پیکار" و "رزمندگان آزادی طبقه کارگر" پاک میکنند و در پیسی همان کاروان بیگانه از ما رکیسمی ره مییما بیند که امروزه جریسان نیمه تروتسکیستی "رزمندگان" قافله سالار آنست. (اندیشه) ما در باره نظرات گروه هایی مانند "پیکار" و "رزمندگان" روشن است.)

بعلاوه با انتشار "بیانیه وحدت" و نشریه ارگان سازمان جدید روشن شد که رفقای گروه های هشت گانه اصولاً در پی اجرای طرح مشترک

امضاء شده در بهمن ۵۸ نبوده و هدف مقدم خود را از جمع شدن به گروه متحد گردانیدن جنبش پراکنده کمونیستی و کارگری ما و حرکت بسوی حزب قرار نداده اند و اصولاً در اینجا "ستاد" یا "تشکیلات گذار"ی در کار نیست. چنانکه در "بیانیه وحدت" هم آمده است هدف جمع هشت گانه یا دنده تدارک وحدت جنبش ما نبوده بلکه ایمن رسالتی است که "همراه با سایر نیروهای ما رکیسمی - لنینیستی" بسر عهده این جمع نیز میباید شود. "تنها از این زاویه تشکیلات دوران گذار است" طبعاً از این زاویه همه سازمان ها و گروه های جنبش نیز "تشکیلات گذار" هستند و نقش ویژه ای بر عهده تشکیلات جدید نمیتوانند داشته باشند. از اینک به صلاح این رفقا هم بود که با نقطه نظر و گرایش حاکم بر "وحدت انقلابی" خود از طرح مشترک و رسالتی که این طرح عنوان میکرد نیز دست بکشند. هر چند که این نشاندهنده انحراف آنها از اهدافی است که به منظور آن از چند ماه پیش بگردم جمع شدند. نتیجه آنکه تنها سازمان جدیدی از وحدت چند گروه و بر اساس نقطه نظر هائی که بسرعت خود را در چارچوب انحراف حاکم بر جنبش ما فرموله می کند، بوجود آمد. که البته خود ایمن موضوع فی النفسه بیان گرایش مثبت وحدت طلبانه گروه های یاد شده بوده و از این زاویه در نظر همه کمونیستهای کشور ما باید بسیار رکتلقی گردد.

طبعاً با توجه به اختلاف اصولی ما با تفکرو سیاستهای حاکم بر سازمان "وحدت انقلابی"، که از پلاتفرم تدوین شده پیشین خودشان نیز بتدریج دور شده است، و با توجه به انحراف ایشان از طرح مشترک بهمن ۵۸ و تبدیل شدن به یک سازمانی در میان سازمانهای جنبش و نه یک "ستاد" یا "تشکیلات گذار"، چاره ای هم برای ما جز آنکه راه دیگری برای وحدت جنبش کمونیستی کشور خود جستجو کنیم نمائسده است. در عمل ما آموختیم که مسئله وحدت جنبش کمونیستی به این سادگی و به صرف گرد هم آئی چند گروه و بدون آنکه از قبل تا حدی تسویه حساب های ایدئولوژیکی و سیاسی صورت گرفته باشد، میسر نمیباشد. علاوه بر اجرای برنامه های تدارک حزب ما نشاند طرح مشترک بهمن ۵۸، نه تنها درجه ای از اتحاد دودرک مشترک راجع به مهم ترین مسائل تئوریکی و سیاسی جاری را لازم دارد، بلکه درجه ای از تمهید و جدیت واقعی را نیز نسبت به امر

وحدت جنبش ما و هدایت آن بسوی حزب از رهبران و نمایندگان گروه های کمونیستی طلب میکند. بالاخره مسئله حل و فصل اختلافات و رفع دردهای دیرپای جنبش کمونیستی ما باید به ار همه اعضای این جنبش، همه اعضای و هواداران سازمان ها و گروه های کمونیستی، تبدیل شود و حصارهای پیوسته ای که از تشویریهای غیر مارکسیستی و عواطف فرقه ای و عادات و سنن گروهی، کمونیست های ایران را از یکدیگر جدا گردانیده به انواع انحرافات مسلکی، خطاهای سیاسی و پراکنده کاری و عقب ماندگی تشکیلاتی میکشاند، شکافته شود. ما به رفقای "وحدت انقلابی" طی دوسه دیداری که پس از پرهیز از شرکت در حرکت سیاسی ایشان با زهم دست داد، موکداً متذکر شدیم که موافقت کنند که در همه سطوح ورشته های فعالیت میان دوجریان کمونیستی ما و ایشان روابط و مناسبات مشخصی میان اعضا برقرار گردد و انشاء هر دو گروه ضمن پیدا کردن نقاط مشترک همکاری در فعالیت های این و انجام این همکاریها در چارچوب توافق رسید، تمامی مسائل جدا اختلاف و برداشتهای نا همگون به بحث یکدیگر گذارند. بزعم من حرکت نه تنها تا شمر متقابل دوه و حل و فصل اختلافات را تسریع خواهد کرد بلکه حرکت جنبش ما را بسوی مسئله وحدت خود، با تبدیل آن به امر همه اعضای گروه ها، خواهد بخشید و از مجاری تندتباط رهبری های گروه ها خواهد داد. اسفا که این پیشنهادی که ما و همچنین در هوایمان مانده، طبعاً از همین جا و در این نوشته از همه رفقای عضو "وحدت انقلابی"، و همچنین اعضای سایر گروه های کمونیستی کشور خود، طلب میکنم که در همه سطوح با رفقای خود در همه بخشهای مختلف جنبش کمونیستی ایران از جمله رفقای عفو سازمان ما، در چارچوب و در هر حدی که میتوانند تا برقرار کنند و امر حل و فصل اختلافات در جنبش کمونیستی و امر وحدت آنرا خود بدست گیرند. ما بسهم خود چنین خواهی کرد. مطالب دیگری هم هست که در شماره های آتی خواهیم نوشت.

شما ره های آتی خواهیم نوشت.

تشدید استعمار کارگران با "مبارزه با امپریالیسم"

نموده، سرمایه داران یورش خود را به طبقه کارگر در زیر این پوش انجام میدهند. آنها با استفاده از سیاست های سازشکارانه دولت در مقابل امپریالیسم و داشتن پشتیبانی از لیبرالها و قبیحه نه و انوسد می کنند که توگوشی کاهش تولید و بسته شدن کارخانهجات در این دوره بدلیل کم کاری کارگران است و در نتیجه آنها را با داریه تشدید کار کرده و در بسیاری از موارد ساعات کار را تا ۱۱ ساعت بقیه در صفحه ۱۱

بها نه امپریالیسم و رسیدن به خودکفائی میخواستند استفاده از احساسات پاک ضد امپریالیستی طبقه کارگر و خلقهای مان، استعمار را تشدید کرده و سود خود را افزایش داده و یا حداقل در این شرایط جلوی کاهش سود خود را بگیرند. از اینرو، از زمانی که انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهایمان ایجاد شد و امپریالیستی خود را بنمایش درآورده و امپریالیستی بخصوص امپریالیسم آمریکا را وارد ربه و کنش های شدیدی

با کلک و تزویر استعمار را افزایش دهند تا کارگران متوجه نشوند و اینها میزان سود خود را در مدتی که کارگران متوجه نشده اند، بالا ببرند. مثلاً زمانی که معده در بحران اقتصادی است به بهانه بر طرف کردن بحران، کارگران را به تشدید کار و میدارند و پشتوانه شان نیز لشکر بیگانه است، زمانی که معده در وضع عادی است به بهانه رشد سریعتر اقتصاد و شوکوف شدن جامعه و... سعی در تشدید استعمار را دارند و امروزه نیز در کشور ما سرمایه داران به

سرمایه داران همواره در پی افزایش سود خود و با لطمه از طریق تشدید استعمار کارگران بوده هستند، آنها همیشه بدنیاال این هستند که چگونه میزان بهره وری از کارگران را در کارخانه های کمترین هزینه بالا ببرند و در این راه کمترین هزینه را در تشدید شدت کار روی افزایش روز کار کارگران می بینند. ما سرمایه داران را حتی نمیتوانند شدت کار را افزایش داده و با طول روز کار را زیاد کنند زیرا کارگران نیز از طرف مقابل زیر فشار چنین شرایط وحشیانه ای مبارزه کرده اند و همواره با جانبازی های زیاد در مقابل این حملات ایستاده و ساعات کار رو شدت کار را کم کرده اند. ۸ ساعت روز کار فعلی در سراسر دنیا در نتیجه مبارزات بی مان کارگران بدست آمده و شاخص آن نیز روزتاریخی وجهانی کارگرددرا ولی برای کارگران است. از پیروزی سرمایه داران و عواملشان مجبورند همواره

و داخلی بسیج شوم در مورخه ۵۹/۴/۹ سه شنبه ساعت ۹ شب یک فروندهلیکوپتر روسی بطوریکه در نقشه تشریح شده وارد آسمان کشورمان شد و متعاقب آن دوفروندهلیکوپر و سلافا صله چهارم هم از حوالی درگزبنا تا بیوسته حدود ۱۸ مایل هوایی مان را در تاجا و ریل دادند که توسط پرسنل مسئول میره لخته به لحظه تعقیب میشوند تا اینکه توسط نفر مسئول برای مقابله با این تهاجمنا هتجاز را زیست فرما ندهی با یگا به یکم (چون کلیه هواپیما های شکاری مستقر در مشهد از قبیل از جمله نا فرجام آمریکا از پایگاه مشهد به نقاط دیگر منتقل شده که این انتقال هنوز هم ادامه دارد) تقاضای یک فرونده و ناف ۴ شده بعطت بروز شکال در هوای کابین مجبور به فرود شد شکاری بعدی و بعدی و با لخره بعطت طولانی شدن کارها باعث شدند که بدلیل این تهاجمها که ما نتوانیم کار را متوقف انجام بدهیم و آنان هم پس از آنجا بروا ز خود از مرز خارج شدند تا که شما ندهکلیه تهاجمات بالا حدود یک ساعت بطول انجام میدوید و توسط راهدار مشهد و شهرآباد در وقت گردیده و جهت تصمیم گیری بر اهدا ربا بلسرگزارش شده است و با زهم معلوم نیست چرا راه دار ربا بلسر حدود ۴۸ ساعت قبل از این تهاجمها را با افتاده بود و با فرمائش ورشیش عملیات ایستگاه همپرا را تمامه تهاجمها و زهویده شده و با اعمال توهین های فراوان به پرسنل راهدار و با توجه به تمامنا رسانی محیلاته عملیات تهیه در صفحه ۸

اطلاعیه گروهی از پرسنل اعلان فوری هوایی بابلسر

طماننازی مدیران مسئول هستیم با توجه به اینکه شواهد و مستندات در ایستگاه راهدار مشهد شهرآباد و بلسرگویای حقایق اندوما شما را به این مکانها دعوت میکنیم.

۱ - حدود ۱۶ ماه از پیروزی انقلاب اسلامی ایران میگذرد و آسمان کشورمان همواره در این مدت مورد تهاجم و تازها و تهاجمها و هلیکوپترهای شوروی میباشند و ما سفا نه با زهم فرمائیدمان این چنین بی تفاوت و از گنا رتهاجمت نظامی روسیدنا جوان سردار نه میگذرد. ۲ - ما دیدیم جرات بتوانیم دعا کنیم که پروازهای متخاصمانه روسیه به مناطق خراسان (گنبد، گرگان اطراف طبس - سرخس تربت جام - قوچان و...) بلاانقطاع ادامه داده شود و دارد. ۳ - بارها و بارها تهاجمها اعتراض درجه داران گوش فرمائیدمان را گویا زورده گهر گندمان بنحوی منکوب نموده اند. ۴ - در زیرک نمونه زدها تهاجم و زوروی بحریم فاضلی ایران را در حضور امام و است افتاء نموده ایما میدا اینکه همگی پیش از پیش بخدائی و با اتحاد کامل برای محو نمودن دشمن خارجی

چگونه می توانیم تفرقه و تشتت، اختش و توطئه بر علیه جمهوری اسلامی ایران را مهیا میکنند؟ فرمائیدمان خود فروخته رتشیا پرسنل مستضعف که در حکومت منور سابق از جمهوری اسلامی ایران همواره چکمه های ناسوان سردار نه فرمائیدمان مزدور قرار گرفته و میگیرند ما همواره با بسا زان مسائل سخن بمان آوریم که همسه میدا نند و کسی را برای گفتار آن نیست ملت مبارز ایران ما بر مبنای مسئولیتی که در برابر ما و ما مست احساس میکنیم و با پیروی از موازای شهید بزرگوار رومجا هد کبیرمان بسدر طالقائی در حضور امام امت و شما به شرافت کلام الله مجید سوگندتان می دهیم هوشیارتر باشیدا بیش از این شایسته تحمل توطئه های را که وسیله فرمائیدمان خود فروخته و دست نشاند اعمال میشود در اندام و بدین وسیله گفتنیها را عرض نموده و تمام محبت مینمائیم. ما بنا ما سلام و در جهت نوا و انقلاب اسلامی ایران حقایق را با اطلاع امام خمینی و مقامات مسئول و پیشگاه شما مردم ایران بدینوسیله اعلام میدا ریم و خواهان پیگیری فوری

درفارمک چه گذشت؟

هفته قبل روزنامه ها نوشتند که هواداران سازمان مجاهدین خلق تظاهراتی در ناربک برراه انداختند و به "تحریک مردم" پرداختند و در نتیجه با ساداران "دخالتم" کردند و بالاخره یکی از افراد مجاهدین سروری مردم و با ساداران اسلحه کشید و تیراندازی کرد و یکی از با ساداران را به قتل رساند. این خبر در روز مجس بود و نویسندگان آن حتما "دوره" دروغ پردازی را زیر دست عوامل ساواک گذارنده اند. حقیقت ماجرا چنین است که در راه سیاست حمله به آزادی های دموکراتیک و دستگیری فرودندگان "روزنامه های غیرمجاز" (یعنی روزنامه های سازمان های مترقی و انقلابی)، جمعی از با ساداران در مدبر میا پندتا به چند میر فروش شیرتجه در صفحه ۸